

صباح
ماهنامه‌ای
بر مبنای
سیاست‌روز

شهر در حال شیر

سال چهارم / شماره پانزدهم / رایگان / چهارشنبه بیست و ششم آذرماه سال ۱۳۹۹

در این شماره می‌خوانید

فرقیسمه (مصاحبه پیرامون وهابیت)

نوشته‌ای پیش از مرگ شهر

مطالبه گر باشیم

یک اخطار به مجلس!

مکتب صبر و ایثار

و ...





نشریه مستقل دانشجویی دانشگاه صنعتی سجاد

صاحب امتیاز زهرامحمدزاده

مدیر مسئول زهرامحمدزاده

سردبیر زهراسرایار

طراح و صفحه‌آرا کوثرزکی‌زاده

ویراستار کوثر کرباس‌فروشان

هیئت تحریریه: مانده ایران‌نژاد، ریحانه تفقیدی، انسیه خمسه

مریم سلطان‌احمدی، زهراربیع‌النجات

زهراسرایار، کوثرزکی‌زاده، سیدزهراسینی

فهرست

- ۱ - فرقیسم (وهابیت)
گفت‌وگویی با حجت‌السلام و المسلمین سید احمد موسوی
- ۲ - نوشدارویی پیش از مرگ
مروری بر راهکارهای عام حل معضل حاشیه‌نشینی
- ۳ - مطالبه‌گر باشیم
مروری بر تجارب موفق مطالبه دانشجویی
- ۴ - یک اخطار به مجلس
۲۹۰ صندلی در انتظار ۱۴ فصل اساسی
- ۵ - روز خونین دانشجو
روایتی از شانزدهم آذرماه ۱۳۳۲
- ۶ - مکتب صبر و ایثار
تجلیل مقام پرستار به مناسبت میلاد بانوی صبور حضرت زینب کبری
- ۷ - انتظار
علاقه عالمانه به مسئله ظهور منجی
- ۷ - طنزنامه

امیرالمومنین علیه السلام

ای مردم زمان را دریابید، الان و همین اکنون، پیش از آن که پشیمان شوید، پیش از آن که هرکسی بگوید ای دریغا که در کار خدا کوتاهی کردم...

«بحار الانوار، جلد ۷۴، صفحه ۳۳۷»

بسم الله الرحمن الرحيم
مشکل حاشیه نشینی با صنعتی شدن شهرها و رویای زندگی بهتر به وجود آمد.

از دیگر دلایل به وجود آمدن اینگونه حاشیه نشینی‌ها بی‌توجهی مسئولین به روستاها و مشکلاتشان، عدم برنامه‌ریزی مناسب و کنترل نکردن مهاجرت به شهر است.

روستاییان باهدف ساختن زندگی بهتر رو به زندگی شهری آوردند اما بخاطر تامین هزینه های زندگی در آنجا که به نسبت از روستا بالاتر بود، مجبور شدند در کنار شهرها محلی برای سکونتشان محیا کنند. اکثریت اشخاصی که حاشیه نشین شده اند بخاطر عاجز ماندن از پرداخت اجاره های سنگین منزل راهی این مناطق شدند و زندگی برایشان از قبل هم تلخ‌تر شده است. از مشکلاتی که در حاشیه شهرها بطور عمده دیده می‌شود، تامین هزینه‌های زندگی با کارهایی مانند پذیرش جرم و جنایت در قبال دریافت وجوهی یا پرداختن به شغل‌های کاذب است که هردوی این‌ها ضررهای جبران ناپذیری را برای کشور به وجود می‌آورد.

حاشیه نشینان اغلب از خانواده‌های پرجمعیت تشکیل می‌شوند و بدون هیچ برنامه‌ای در کنار شهرها ساکن می‌شوند به خاطر به وجود آمدن همین بی‌نظمی‌ها انواع مشکلات اقتصادی و اجتماعی را بر کل شهر وارد می‌کند.

حال باتوجه به آنکه مشهد شهری مذهبی و نزدیک به ۳ میلیون جمعیت دارد که یک سوم آن طبق آخرین آمار ۱ میلیون ۲۰۰ هزار نفر حاشیه نشین دارد نیازمند فکری جدی و در تمام جهات است. در این مدت گروه جهادی طلوع بی‌نشان‌ها با همت و پشتکار شروع به مطالبه‌گری و بهبود شرایط در این زمینه کرده‌اند که امیدواریم مسئولین نیز با این گروه همکاری لازم را داشته باشند.

دراین شماره از نشریه سعی کرده‌ایم به روندهای رفع این مشکل بپردازیم و امیدواریم با مطالبه‌گری همه جانبه و منعکس کردن این اتفاق ناخوشایند بتوانیم کمکی در جهت بهبود این شرایط داشته باشیم.



فرقئیسم (وها بیت)

گفت وگویی با حجت السلام و المسلمین سید احمد موسوی

زهره سربایار - معماری ۹۷



در این شماره از فرقئیسم در راستای شماره قبلی و با هدف شناختن وهابیت و جریان این فرقه این بار با یکی از روحانیان خوب و آگاه کشور جناب آقای موسوی در مورد تفاوت زیارت و پرستش مصاحبه‌ای را انجام داده‌ایم و از ایشان سؤالاتی را پرسیده‌ایم:

۱. فرقه وهابیت چگونه به وجود آمد و تفاوت آن با دیگر فرقه‌ها چیست؟

فرقه‌ای که می‌توان گفت نوظهور است و پایه‌گذاری آن توسط محمد بن عبدالوهاب صورت گرفت و باتوجه به شرایط سیاسی و اجتماعی آن زمان و برداشتهای غلط محمد بن عبدالوهاب از اسلام و پس از آن دیدار با آل سعود اولین فرقه تشکیل این فرقه رقم خورد. فرقه وهابیت خود را سلفی می‌داند و با این گفتار که به صدر اسلام بازمی‌گردد این گونه نیست خاستگاه فکری این فرقه به شخصی بنام ابن تیمیه بازمی‌گردد و این فرد با نوشتن کتب مختلف و پرورش شاگردانش که به تبلیغ این فرقه پرداختند نوعی فرقه معرفی شد. تفاوت این فرقه با فرقه‌های دیگر قدرت بالایی است که وهابیت دارد؛ جمعیت وهابیون جهان آن چنان زیاد نیست اما به دلیل قدرت سیاسی بالا و پول زیاد و پشتوانه فکری مذهبی که در اختیار دارند توانستند خود را به اسلام و پیامبر تعمیم دهند و عملاً تفاوتشان همین قدرت و پول است.

۲. از نظر جامعه وهابیت زیارت اهل قبور شرک و حرام است. آیا آموزه‌های شیعه نیز به این مسئله اشاره دارد؟

قطعاً نیست آیت‌الله آملی در کتابی در این باره در فصلی به نام "بزرگداشت‌ها شرک است یا خیر" فراوان این موضوع را رد کرده و با استفاده از نمونه‌های حدیثی تاریخی و روایی این اهم را به اثبات می‌رساند و بحث مهم دیگر آن تناقض است که وهابیون قائل هستند بطور مثال در سال ... تعدادی از چهره‌های سعودی بر سر آرامگاه جورج واشنگتن که فردی بی‌دین است حاضر می‌شوند اما رفتن بر سر آرامگاه پیامبر (ص) را شرک می‌دانند؟ نکته کلیدی که وهابیون بر آن باور دارند این است که می‌گویند این امر شرک است؛ چون

۴. آیا نماز و دعا در کنار قبور جایز نیست که وهابیون آن را منع می‌کنند؟

در تفکر آن‌ها درست نیست، ولی در دین هم چنین چیزی نیامده است، به‌طور کلی اگر به مجموعه فتاوی‌اشخاص مرجع وهابی نگاه کنیم به موارد عجیبی برخورد می‌کنیم. خوردن به طور مثال: نماز خواندن با ساعت اشکال دارد، زیارت برای خانم‌ها جایز نیست، حرام دانستن تزریق خون، حرمت ناخن بلند کردن، حرمت احیای تاریخ وفات مانند سال و چهلیم، اما یکی از عجیب‌ترین فتواهایشان این است که بدترین مردم کسی است که از حاکمان انتقاد کند، حتی حاکم ظالم.

۵. چرا به زیارت مزار پیامبر می‌رویم؟

اگر بخواهیم در قدم اول به قرآن و احادیث نگاه نکنیم و با قلب و انسان گونه به آن نگاه کنیم آیا ما دوست نداریم به دیدار کسی برویم که دوستش داریم؟ به طور مثال از پیکر شهید سلیمانی حدود ۵ درصد باقی مانده است اما چرا ما بر سر آرامگاه ایشان می‌رویم؟ چون انسانیم و احساس داریم، پس حتماً برای وجود مقدس پیامبر انجام خواهیم داد زیرا، این امر در قدم اول از روی احساس انسانی صورت می‌گیرد در نگاه دوم در نظر بگیریم پیامبری داریم که قبر دارد اما بارگاه نداشته باشد هیچ خادمی نداشته باشد و جایی کثیف و آلوده باشد و ما بیاییم و از اسلام تعریف کنیم و از خوبی‌هایش بگوییم، اما کسی که اسلام را نمی‌شناسد. با دیدن چنین وضعی آیا نمی‌گویند که شما برای پیامبر خود ارزش قائل نیستید پس این چه دینی است؟ آرامگاه پیامبر هویت اسلام و مسلمانان است، بسیاری از فرهنگ‌ها از کنار قبور پیامبر شکل گرفته است، اجتماع و وحدت به مسلمانان یاد داده است.

۶. به عنوان سوال آخر چرا وهابیون زیارت قبور را برای زنان حرام می‌دانند؟

اول بگذارید از دید پیامبر بگویم به نظر من اصلاً گویی پیامبر فردی فمینیست بود، البته نه به این منظورهایی که الان در جهان منتشر شده، بلکه پیامبر تنها و اولین کسی بود که سخن از احترام به زنان را به میان آورد و واقعاً این عمل را انجام می‌داد. پیامبر (ص) بسیار تلاش کرده‌اند که به زنان ویژگی‌هایشان را درست نشان بدهند اما وهابیت به‌طور کلی نگاه از بالا به پایین دارد، خود را برتر می‌داند زنان را حقیر می‌داند و اصلاً نگاه اسلامی ندارد. از دلایلی که وهابیون برای این موضوع می‌آورند می‌گویند خانم‌ها وجودشان فتنه است پس نباید به زیارت بروند یا می‌گویند صبرشان کم است اما این پرسش به میان می‌آید که حتی اگر درست هم باشد چه ربطی به زیارت دارد؟ در کل بخاطر همان نگاه از بالا به پایین این فرقه احکام سختی را برای خانم‌ها قرار داده‌اند.

و در انتها می‌توان گفت با استناد به منابع موثق که در مورد وهابیت در دو شماره پیش بسیار توضیح داده شده و همین‌طور توضیحات جامع و صحیح جناب حاج آقای موسوی که بامنبع و مدارک محکمی سخن گفته‌اند هر انسان عاقلی را به این نتیجه می‌رساند که وهابیت فرقه‌ای بدیع و جدید است و ساخت خود انسان‌ها است و بخاطر داشتن پشتوانه مالی خوب و قدرت زیادی که در دست افراد فعال این فرقه است توانسته‌اند این فرقه را به عنوان مذهب ناب اسلامی معرفی کنند در حالیکه اسلام این چنین نیست و تناقض‌هایی که در این فرقه خود خوانده وجود دارد کاملاً متفاوت با مذهب است که پیامبر و ائمه مطهر درباره‌شان سخن گفتند.

نماز خواندن با ساعت اشکال دارد، زیارت برای خانم‌ها جایز نیست، حرام دانستن تزریق خون، ... ، اما یکی از عجیب‌ترین فتواهایشان این است که بدترین مردم کسی است که از حاکمان انتقاد کند، حتی حاکم ظالم.

۳. چه کسی اولین بار از زیارت قبر پیامبر جلوگیری کرد؟

ابن تیمیه؛ به‌طور کلی رهبر فکری و عقیدتی وهابیت ابن تیمیه است و ایشان مواضع متنوع و متفاوتی را نسبت به این دین و عقاید و سنت‌ها دارد. بطور مثال در احادیث نبوی آمده است که سفر برای دیدار و زیارت قبور پیامبران و اولیای خدا کار حسنه‌ای است و هر کس قبر پیامبر را زیارت کند شفاعتش واجب است اما، ابن تیمیه و وهابیون به گونه‌ای این حدیث را نقل می‌کنند که این حدیث منبع ضعیفی دارد و قابل استناد نیست. به‌طور کلی ابن تیمیه حرّانی زیارت قبور را به دو قسم «شرعی» و «بدعی» تقسیم کرده و می‌نویسد: اگر کسی به زیارت قبر برود و تنها قصد سلام دادن و دعا کردن برای میت و صاحب قبر را نداشته باشد، زیارت شرعی است و اشکال ندارد، اما اگر به زیارت قبر برود و بخواهد که او را شفاعت کند، چنین زیارتی زیارت بدعی و منهی عنه و حرام است. اما در منابع اهل سنت ۹۱ حدیث از پیامبر اسلام نقل شده است که در تصدیق زیارت قبور اولیای الهی است.



نوشتاروی پیش از مرگ شهر مروری بر راهکارهای عام حل معضل حاشیه‌نشینی

کوثر زکی زاده - شهرسازی ۹۵



در شماره گذشته خواندیم که دلایل شکل‌گیری سکونتگاه‌های حاشیه‌ای چیست و چه دیدگاه‌هایی نسبت به آن مطرح شده‌است. با طرح چنین زمینه‌ای، حال بررسی می‌کنیم که تحقق چه مواردی و با استفاده از چه راهکارها و دستورالعمل‌هایی می‌توان تا ریشه‌کن کردن این معضل پیش رفت. به همین منظور دانستن انتظارات و توقعات افراد ساکن در این بافت اولین گام برای حل مسئله است. درست است که تعاریف عام و جامعی نسبت به حاشیه‌ها وجود دارد، اما خصلت‌های بومی، زمینه‌ها فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حتی جغرافیایی شرایطی را رقم می‌زند که مطالبات مردمی در طیف مشخصی، متفاوت از یکدیگر به نظر آیند.

انتظارات و مطالبات حاشیه‌نشینان

از بررسی منابع گوناگون در این مقوله می‌توان خواسته‌ها و انتظارات حاشیه‌نشینان را در چهار محور عمده بی‌توجهی مسئولان، مسکن، امنیت و بیکاری تقسیم کرد. در بخش مسکن، به‌طور خلاصه، داشتن سرپناه ارزان قیمت و مقاوم با مساحت مناسب به نسبت جمعیت هر خانواده با محیط توقع می‌شود. در بخش امنیت نیز ساکنان این مناطق، جمع‌آوری اراذل و اوباش، مجرمان، پخش‌کنندگان مواد مخدر و سایر انحرافات و حضور موثر و قاطع نیروی پلیس برای کنترل عوامل ناامنی و مبارزه با جرائم سازمان داده‌شده را خواستار هستند. در آخرین دسته‌بندی که نقش بسیار زیادی هم در شکل‌گیری فقر در این جوامع ایفا می‌کند و خود عامل مهم مهاجرت‌های روستا به شهر می‌شود، بیکاری است. داشتن شغل مناسب، شرافتمندانه و باثبات، از آرزوهای این مردم می‌باشد.

راهبردهای حل این معضل

برای رفع معضل حاشیه‌نشینی دو استراتژی بلندمدت و کوتاه مدت قابل طرح است: در مورد گزینه اول (استراتژی بلندمدت) باید گفت که بدون آن در زمینه توسعه و تغییر ساختارهای اقتصادی جامعه، نمی‌توان معضل حاشیه‌نشینی را ریشه‌کن کرد؛ و در همین راستا گرایش اقتصاد ملی به تولید و کاستن از جذابیت و رونق واسطه‌گری و نیز اصلاح الگوی مصرف جامعه قابل طرح هستند که قطعاً با اصلاح و بهبود عمومی وضعیت اقتصاد ملی ارتباط بسیار نزدیکی دارند. ولی در عین حال با توجه به این که حاشیه‌نشینی به عنوان یک مسئله جهانی شمول مطرح می‌شود لذا در کوتاه مدت نیز چاره‌ای جز سالمندگی این مناطق برای دولت‌ها باقی نمی‌ماند. این همان استراتژی کوتاه مدت است که در ادامه اجزای پیشنهادی آن را بررسی می‌کنیم:

دیدگاه سیستمی جهت ساماندهی مناطق حاشیه‌نشین

ساماندهی در صورت تکیه بر شناخت صحیح و دقیق حاشیه‌نشین، با مشارکت دولت و مردم می‌تواند ما را در رسیدن به برخی اهداف کوتاه مدت

بر اساس این دیدگاه هر فضا و چشم‌انداز جغرافیایی و هر محیط ساخته‌شده (از جمله شهر) یک سیستم مکانی-فضایی است که تحت تأثیر و هم‌پیوندی عوامل و عناصر مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و طبیعی در سطوح محلی، ناحیه‌ای و جهانی شکل گرفته‌است. از این جهت در مطالعه شهری از حیث سیستمی بودن آن، باید شهر را از چهار جهت زیر درمیان قرار داد: اجزاء یا عناصر، ساختار، کارکرد و هم‌پیوندی. بهترین طریق بررسی یک سیستم به مثابه شهر، شناسایی نقاط مسئله‌خیز آن است تا با رفع آن‌ها عوامل اصلی عدم کارایی شهر از میان برداشته شود. به همین ترتیب برای رسیدن به بافت شهری مناسب که امکان یک زندگی سالم شهری را برای شهروندان فراهم می‌کند؛ توسعه باید متکی بر اصول و موازین شهرسازی و یک برنامه‌ریزی دقیق و پویا باشد به گونه‌ای که توزیع پهنه‌ای از جمعیت، خدمات عمومی، تاسیسات و... را داشته‌باشد. به بیان ساده‌تر توسعه باید به عنوان جزئی از کل سیستم به مثابه شهر دیده‌شود و عملکرد جزء منطبق بر عملکرد کل باشد.

سیاست‌ها و راهکارهای ساماندهی

ساماندهی اقدامی است در راستای رسمیت بخشیدن قانونی و حقوقی به جوامع حاشیه‌نشین و بازسازی و بهسازی فضاهای حاشیه و آماده‌سازی و اسکان ساکنین آن در فضایی جدید، از نگاه علمی و نیز به تجربه ثبت شده است که نادیده‌انگاری افراد ساکن در این محل‌ها، تخریب و پراکنش اجباری و مانند آن، بدترین سیاست‌های برخورد با پدیده حاشیه‌نشینی حداقل از نگاه برنامه‌ریزی و آکادمیک می‌باشد. بنابراین در این راستا چهار راه حل زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. بهسازی فضاهای حاشیه‌نشینی

این راهکار ضمن رسمیت بخشیدن و احترام به مالکیت ساکنین بر زمین، به دنبال جلب اعتماد و همکاری مردم از طریق مساعدت‌های دوطرفه و انسان‌دوستانه و البته حساب‌شده دولت است. لذا اهداف عمده این راهکار: حفظ اسکان در فضای موجود، رسمیت بخشیدن به مالکیت حاشیه‌نشین، نظم‌دادن و بهبود بافت و مناظر فضاهای شهر حاشیه‌نشین، ایجاد زمینه‌های سیاسی و روحی-روایی (انگیزشی) تحرک و پویایی در این جوامع می‌باشد و از خط‌مشی‌های اجرایی شدن این سیاست می‌توان به مواردی همچون: تأکید بر خودیاری و همکاری دوطرفه ساکنان در بهسازی این مناطق از طریق جلب اعتماد آنان به فعالیت‌های دولت، تنظیم سازوکاری برای رسمیت بخشیدن مالکیت قطعات تفکیکی تحت تصرف، پرداختن وام درازمدت، تأمین مصالح ارزان قیمت، در اختیار گذاشتن ماشین‌آلات دولتی در حد مقدرات، اخذ طولانی مدت هزینه‌های بهسازی از ساکنان و ایجاد مالکیت مشروط بر مفهوم عدم قابلیت انتقال مالکیت در صورت عدم پرداخت هزینه‌های ساماندهی اشاره داشت.

از نگاه علمی و نیز به تجربه ثابت شده است که نادیده‌انگاری افراد ساکن در این محل‌ها، تخریب و پراکنش اجباری و مانند آن، بدترین سیاست‌های برخورد با پدیده حاشیه‌نشینی حداقل از نگاه برنامه‌ریزی و آکادمیک می‌باشد



۲. نوسازی فضاهای حاشیه‌شهر (در صورت عدم امکان بهسازی)

تخریب و نوسازی بافت منطقه و تصحیح کلی نقشه آن ضمن رسمیت دادن به ساکنان، به دو صورت قابل بررسی و اجرا است: اولین روش، استفاده از مساعدت‌های دولت با تأکید بر خودیاری مردم، به عبارت دیگر پس از تخریب مناطق فرسوده و ناهمگون فعلی با نظارت دستگاه‌های دولتی، ایجاد بناهای جدید با حمایت دولت (اعم از پرداخت وام‌های کم‌بهره بلندمدت) صورت پذیرد. و دومین اقدام، استفاده از پتانسیل‌ها و منابع مالی بخش خصوصی جهت بلندمرتبه‌سازی و ارائه تسهیلات برای رهن یا اجاره مسکن برای مالکان در طول دوره بازسازی اماکن و نظارت دقیق دولت در جهت احقاق حقوق کامل طرفین، می‌باشد.

۳. جابجایی و اسکان در مکان‌های جدید

در صورت عدم امکان بهسازی یا نوسازی فضاهای حاشیه‌شهر و حفظ اسکان در آن‌ها باید به تخصیص، آماده‌سازی، نوسازی و اسکان جدید جمعیت در فضاهای دیگر بپردازیم. در این راهکار، مساعدت‌های دولت بسیار حائز اهمیت بوده و بر خودیاری مردمی نیز تأکید می‌گردد. لازم به ذکر است که لزوماً تمامی راهکارهای پیشنهادشده برای کلیه مناطق شهری کاربرد ندارند و در این خصوص باید به شرایط اقتصادی آن منطقه و توانایی امکانات حاشیه‌نشینان نیز توجه شود.

۴. ایجاد زمینه‌های لازم و ارائه تسهیلات برای بازگشت افراد به موطن اصلی

بسیاری از افراد این بافت، جزء مهاجران می‌باشند که از دیگر مناطق کشور به محل سکونت فعلی، مهاجرت کرده‌اند. در این راستا، راهکارهای اجرایی همچون حل معضل بیکاری در شهرهای مبدأ مهاجرت یا موطن اصلی مهاجران، تأمین مسکن افراد از طریق ساخت مسکن، پرداخت وام برای حل مشکل اشتغال و در اختیار گذاشتن امکانات دامداری و کشاورزی در روستاها و شهرهای محل سکونت و در آخر ایجاد بسترهای لازم برای تحصیل و آموزش فرزندان و ارتقا سطح امکانات بهداشتی و درمانی جهت بازگشت آنان به وطن اصلی، پیشنهاد می‌گردد.

اما...

پس از بررسی راهبرد و راهکارهای حل این معضل باید به این امر توجه داشت که بدون تغییر بنیادین ساختار اقتصادی به ویژه تلاش برای افزایش گرایش به تولید، حذف واسطه‌گری و اصلاح الگوی مصرف جامعه، نمی‌توان معضل آلونک‌نشینی را برای همیشه ریشه‌کن کرد. چرا که آن چیزی که این معضل را به وجود می‌آورد توسعه نامتوازن و پراکنش ناعادلانه خدمات شهری است. به علت طولانی شدن این میحت، ان شاء الله در شماره بعدی به سیر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در مشهد و مجموعه اقدامات صورت گرفته برای حل و برطرف کردن آن می‌پردازیم. با ما همراه باشید.

فرصت‌ها و آسیب‌ها

اولین نکته این است که فرصت‌ها و آسیب‌ها را به درستی شناسایی کنیم. یعنی برای هر کار بدانیم که توانایی‌هایمان تا چه حد پاسخگوی رفع مشکل هست و اگر برای مطالبه در زمینه‌ای می‌بینیم که موضوع بزرگ‌تر از حد تصور و توانایی‌های ماست، می‌توانیم با گروه‌های دیگر وارد کار شویم و به کمک یکدیگر در جهت رسیدن به حق گام برداریم.

موضوع کلی را به قدم‌های کوچک‌تر تقسیم کنید!

ابتدا مسئله را با دید کلی می‌نگریم و در مرحله بعد باید سعی کنیم ابعاد مختلف مسئله را کاملاً ریز کنیم. برای هر مسئله گام‌های کوچک در نظر بگیریم و بعد از به اتمام رساندن هر گام به سراغ قدم بعدی برویم. پس از به اتمام رساندن یک گام و عملیاتی کردن آن، ممکن است که به نتیجه دلخواه‌مان برای آن مرحله نرسیده باشیم که در این صورت نباید کار را نیمه رها کنیم. پس راه حل این است که در ابتدا تمام شرایط را به طور کامل بسنجیم و بدانیم که اگر قدم اول جواب نداد، باید کدام عمل را به عنوان گام بعدی به اجرا برسانیم. در نتیجه، هر قدم باید دارای شروع و پایان مشخص باشد و اگر نتواند در زمان مقرر به نتیجه مطلوب برسد باید رفت به سراغ گام‌های بعدی. در اجرایی کردن این گام‌ها، باید وظیفه و نقش هریک از اعضای گروه به طور دقیق مشخص شود و البته در بعضی مواقع ممکن است که لازم باشد یک عضو به کمک اعضای دیگر برود.

جمع‌آوری اطلاعات

در هر موضوع و زمینه‌ای که قرار است در آن مطالبه صورت بگیرد، باید اطلاعات به صورت دقیق و جامع، گردآوری شود. در بین اطلاعاتی که از موضوع جمع‌آوری می‌کنید، ممکن است گاهی شاهد بی‌قانونی‌هایی باشید که از طرف مقابلتان سر زده است و گاهی ممکن است در میان جلسه مطالبه به این نتیجه برسید که قانون به درستی اجرا نمی‌شود! این اتفاق را در ذهن خود ثبت کنید و یا یادداشت کنید تا بتوانید در موقعیت مناسب از آن به عنوان اهرم قدرت استفاده کنید. البته گاهی اشتباهات طرف مقابل ما از روی تعمد نیست و می‌توان با تذکر مشکل را حل کرد (و لازم به وارد کردن نام آن فرد به لیست بدان و خوبان مانیست!).

و در آخر هم...

این نکته را به یاد داشته باشیم که ما نمی‌توانیم تمام مشکلات را حل کنیم و گاهی مجبوریم که بعضی مسائل را قبول کنیم، اما این قبول کردن به این معنی نیست که حق نداریم آن بی‌قانونی را به عنوان امتیازی نزد خود نگه نداریم، بلکه مستند کردن بی‌قانونی‌ها می‌تواند برای آینده ما و آن جامعه کارساز باشد...

برای خواندن ادامه‌ی تجربه‌های مطالبه‌گران موفق کشور، منتظر شماره‌های بعدی نشریه باشید.



مطالبه گر باشیم

مروری بر تجارب موفق مطالبه دانشجویی

سیده زهرا حسینی - کامپیوتر ۹۶



پرچم آرمان خواهی و مطالبه‌گری را زمین نگذارید. (رهبر معظم انقلاب، ۲۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹)

در برداشت چهارم مطالبه، قول‌هایی به خوانندگان عزیز داده‌شد که احتمالاً هیچ کدامتان آن‌ها را به خاطر ندارید! قرار بر آن شد که از شماره‌های بعدی نشریه (یعنی از همین شماره) به اشتراک گذاشتن تجربه‌های مطالبه‌گران موفق را آغاز کنیم و از دیدگاه آن‌ها اهمیت و اصول مطالبه‌گری را ببینیم و درک کنیم.

اما نکته دیگری هم در برداشت قبلی وجود داشت و آن هم ناتمام ماندن مطلب آخر با تیتیر "خانوادگی به مطالبه نرویم" بود، که مطمئناً این را هم فراموش کرده بودید! باید بگویم که یکی از بزرگ‌ترین دلایل شکست خوردن مطالبه در هر حوزه‌ای، رعایت نکردن همین موضوع ذکر شده است! و مصداق‌های این گونه شکست‌ها برای ما دانشجویها، به وفور دیده می‌شود. اما دلیل اشتباه بودن این امر در چیست؟ حضور تعداد زیاد افراد در جلسه‌ی مطالبه با مسئولان، می‌تواند باعث سردرگمی و خستگی مسئولان شود و جلسه را از نظم و چارچوب اصلی خود خارج کند. به عنوان مثال شما به عنوان فردی که رهبری گروه را برعهده گرفته‌اید، قطعاً می‌دانید که قرار است چه سؤالاتی از طرف مقابل‌تان در مطالبه پرسید و از کجا شروع کنید و صحبت‌ها را به کجا برسانید! اما همین که تعداد افراد زیاد را به همراه خود به جلسه ببرید، ممکن است هر کدام از آن افراد واکنش ناهنجاری نشان بدهند که سبب انحراف مطالبه از مسیر اصلی‌اش شود. البته کارگروهی و مشارکت همگانی در به نتیجه رساندن مطالبه، نیازی کاملاً واضح و ضروری است و این که گفته می‌شود خانوادگی و گروهی به مطالبه نروید، صرفاً منحصر به جلسه مطالبه است که در آن باید دو یا سه نفر مسئولیت حضور در جلسه با مسئولین را برعهده بگیرند و با رعایت تمام شرایطی که در شماره‌های قبل گفته شد؛ خواستار حقوق قانونی خود و بقیه دانشجویها شوند و برای رسیدن به حق، تمام تلاش خود را به کار بگیرند.

برای هر مسئله گام‌های کوچک در نظر بگیریم و بعد از به اتمام رساندن هر گام به سراغ قدم بعدی برویم. پس از به اتمام رساندن یک گام و عملیاتی کردن آن، ممکن است که به نتیجه دلخواه‌مان برای آن مرحله نرسیده باشیم که در این صورت نباید کار را نیمه رها کنیم. پس راه حل این است که در ابتدا تمام شرایط را به طور کامل بسنجیم و بدانیم که اگر قدم اول جواب نداد، باید کدام عمل را به عنوان گام بعدی به اجرا برسانیم.



قبل از این که به سراغ عملی کردن قول‌ها برویم، شما را به خواندن حکمتی زیبا از مولا علی علیه‌السلام دعوت می‌کنم که می‌فرمایند:

«مشورت کردن، خود هدایت کردن است؛ هر که تنها به رای و تدبیر خویش بسنده کند، خود را به مخاطره افکنده است.»

برای انجام هر کاری باید در ابتدا برویم به سراغ کاربلدها. افرادی که تجربه‌شان در آن زمینه از ما بیشتر است و از مسیرهایی گذر کرده‌اند که ما امروز تصمیم بر شروعشان داریم. به همین جهت می‌رویم سر اصل مطلب و تجارب آقای زنده دلی که دانشجوی دانشگاه دامغان هستند و عضو فعال مطالبه‌گر و موفق در این زمینه به شمار می‌روند را با شما به اشتراک می‌گذاریم:





یک اخطار به مجلس ۲۹۰ صندلی در انتظار ۱۴ فصل اساسی!

ریحانه تفقدی - کامپیوتر ۹۶



مجلس شورای اسلامی، مجلس مشورت است. مجلسی که باید متفکرین، مسائلی را که مایحتاج ملت و کشور است در میان بگذارند و بایکدیگر مشورت و مباحثه کنند. شما آقایان مجلسی، وکیل مردم هستید و باید آنچه دلخواه ملت است و آنچه دلخواه اسلام است آن جا مطرح کنید و همه چیز اسلامی باشد و نه در جایی که به صلاح دید خودتان است مسائل را بررسی کنید، در جایی آدرس غلط به مردم می‌دهید و در جایی دیگر طبق نظر شخصی خودتان حکم صادر می‌کنید اجرای مراسمات مذهبی را تعطیل و در جایی به برگزاری کنسرت‌هاشتیاق نشان می‌دهید.

نمایندگان محترم مجلس قبل از پرداختن به لایح و تبصره‌ها و مواد غیرضروری به فکر مسائل اصلی و کلیدی کشور باشید و براساس اسلام عزیز در

کمیسیون‌ها با طرح قوانین و لایح به سمتی حرکت کنید که مشکلات اساسی کشور مرتفع و سیاست‌های زیربنایی در امور فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در راستای کمک به محرومین و رفع استضعاف، به مورد اجرا دربیایید.

چراکه مسئله اصلی ماشین دولتی که به شما داده می‌شود نیست بلکه رسیدگی به اموری است که مردم آن منطقه از شما مطالبه می‌کنند، حال چه در منطقه کوهستانی باشد و یا منطقه صعب‌العبور که نیاز به ماشین شاسی بلند باشد شما موظف به شنیدن صدای مردم هستید، شما موظف هستید درد مردم را بشنوید و چاره‌ای بیاندیشید.

مجلس شورای اسلامی که از نخبگان مردم تشکیل می‌شود، علاوه بر جایگاه سیاسی خود، از جهت اخلاقی و اجتماعی نیز مورد توجه مردم است.

از این رو، به جاست که نمایندگان محترم مجلس، سیاست را در جهت اخلاقی آن سوق دهند و از طرح بحث‌هایی که در مردم ایجاد تنش و ناآرامی می‌کند، پرهیز کنند و در جهت خواسته‌های مردم و آرامش جامعه گام بردارند. آیا با وجود اطلاع از نوع زندگی و معیشت مردم به فکر اصلاح و رونق زندگی مردم هستید یا به فکر پرشدن کیسه‌های سرچیتان؟ آقایان مسئول، شما مسئولید، شما مسئول معیشت مردم و آنچه بر مردم می‌گذرد هستید. شما باید پاسخ‌گو باشید، پاسخ‌گوی ملتی که همه جانبه با سختی‌ها و فشارهای اقتصادی که بر آنها وارد است؛ پای تصمیمات هرچند درست و غلط شما هستید، ملتی که تا پای جان با افتخار پای این انقلاب و دستاوردهای آن می‌ایستند و در مقابل دشمنان دم نمی‌زنند.

مجلس شورای اسلامی چکیده خون هزاران شهیدی است که برای برافراشتن پرچم اسلام جان‌فشانی‌ها کردند؛ از جان و مال و خانواده خود گذشتند تا قدمی برجهت آبادانی این کشور بردارند. کشوری که با اقتدار مقابل تحریم‌های ظالمانه دشمنان می‌ایستد و با حرف‌ها و

و لیخنده‌های شما متحمل ضررهای جبران ناپذیری می‌شود، درمقابل چشمانشان دانشمند هسته‌ای شان را ترور می‌کنند، زیر گوششان سرداری را به قتل می‌رسانند. اینها ضررهایی است که شما به ملت و مردم ایران تحمیل کرده‌اید.

درست است، ما ملت شهادت هستیم؛ ولی در دست مسئولان بی‌شهامتی هستیم که سعی دارند بعد از ۷ سال، با گفتگو و مذاکره، تفکرات پوچ و واهی خودشان را به سرانجام برسانند. آقایان مسئول، چرا با وجود توصیه‌ها و نصایح گفته شده، سعی دارید خود و ملتی را گول بزنید؟ چرا اگر قرار بود این مذاکرها به سرانجام برسد در ۷ سال پیش در برجام عزیزتان به سرانجام می‌رسید.

مجلس مجموعه‌ای از نخبگان مردم است؛ مجلس تبلور اراده ملت است؛ مجلس عصاره زحمات‌های طاقت فرسای امتی سلحشور و مقاوم است؛ از این رو باید مظهر حاکمیت و قدرت مردم باشد و نمایندگان آن نیز باید در جهت اراده و خواست مردم و صلاح جامعه و اسلام گام بردارند.

صلاح مردم را شما در چه چیزی می‌بینید؟ صلاحی که با وجود محدودیت‌های کرونایی فقط و فقط مخصوص قشر خاصی از مردم بشود؟ آیا این صلاح مردم است؟

صلاح مردم در توسعه اقتصادی است که تصمیم‌گیری‌های آن برعهده شماست، در جلسات و گردهمایی‌هایی که باهم می‌گذارید مشخص می‌شود چه چیزی به صلاح دید مردم است. یکی از شاخصه‌های مهم توسعه اقتصادی، وجود برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی دقیق است. در دنیای جدید، تنظیم بودجه نقش اساسی در سالم سازی ساختار اقتصادی جامعه ایفا می‌کند. به‌طوری که یک برنامه‌ریزی سالم می‌تواند وسیله‌ای برای اعمال نظارت دقیق قوه مقننه بر قوه مجریه باشد و با تعیین بودجه مورد نیاز و نیز تعیین وظایف ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی در جهت ساماندهی وضعیت اقتصادی آنها قدم‌های مؤثری بردارد. بدون شک نقش مجلس شورای اسلامی به‌ویژه کمیسیون‌های برنامه ریزی در این مورد بسیار حائز اهمیت است. از این رو، یک مجلس قوی و توانمند علاوه بر برخورداری از نیروهای کارآمد اقتصادی و برنامه‌ریز، از تجربه‌های اغیار هم به خوبی استفاده می‌کند و به نصیحت‌ها و درس عبرت‌هایی که پیشینیان گرفته‌اند گوش می‌سپارند و راه کج رفته آنان را اصلاح و سرلوحه خود قرار می‌دهند.

برای مردم مهم نیست چگونه از مکانی به مکان دیگر بروند، با تاکسی باشند یا با هواپیما و جت‌های شخصی‌شان...

برای مردم مهم این است که جلوی خانواده‌شان سرخم نکنند و شرمندۀ آنان نشوند و همه این‌ها بستگی به برنامه‌ریزی دقیق شما و میزان بودجه‌ای که برای آبادانی هر نقطه از خاک این سرزمین تعیین می‌کنید، صرف بشود.

برای قشر خاصی از مردم مهم است نوزادشان در چه تاریخی به دنیا بیاید، حاضران برای آن تاریخ خاص چند برابر میزان درآمد یک خانواده معمولی خرج کنند، ولی برای عده‌ای زیادی از مردم مهم این است که نگران آن نباشند وقتی باران الهی که موجب رحمت است، شبانه خانه و زندگی شان را به سختی به دست آورده اند، آب نبرد.

آقایان مسئول، شما در قبال تمامی این مشکلات باید به تمامی این مردم پاسخ دهید چرا بودجه‌های تعیین شده، سر از حساب‌های بانکی خاص و فقط برای عده‌ای خاص هزینه می‌شود. شما با رای یکایک این مردم به آن جایی رسیدید که هم اکنون ایستاده اید...

پس کمترین کاری که می‌توانید برای این مردم درموند انجام دهید گوش سپردن به گله‌ها و شکایت‌های آنها است تا حداقل باری از روی دوششان برداشته شود و بر این باور باشند که کسی صدایشان را شنید و به فکرشان است.



روز خونین دانشجویان!

روایتی از شانزدهم آذرماه سال ۱۳۳۲

انسیه خمسه - کامپیوتر ۹۸



احمد قندچی شد. روز ۱۶ آذر به یادبود این دانشجویان شهید، روز دانشجو نامیده می‌شود.

سالروز شهادت آیت الله مفتاح نیز کمی پس آن است که از پیشروان اندیشه وحدت حوزه و دانشگاه بودند. این شهید والامقام در راه تحقق این اندیشه و آرمان بلند که از اندیشه بلند امام راحل رحمه الله برخاسته بود، تلاش‌های بی‌وقفه‌ای انجام داد. به پاس فعالیت‌های چشم‌گیر شهید مفتاح در راه تحقق وحدت حوزه و دانشگاه، لزوم ارتباط، همکاری و هم‌فکری این دو قشر اندیشمند، روز ۲۷ آذر - که سالروز شهادت دکتر مفتاح نیز می‌باشد - روز وحدت حوزه و دانشگاه نام‌گذاری شده‌است. در ادامه رهبر کبیر انقلاب اسلامی در رابطه با روز وحدت بین دانشجویان و روحانیون می‌فرمایند: امروز بسیج یکی از ضروری‌ترین تشکلهای دانشجویی و طلاب است. طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاه‌ها باید با تمام توان خود در مراکزشان از انقلاب و اسلام دفاع کنند. فرزندان بسیجی‌ام در این دو مرکز، پاسدار اصول تغییرناپذیر نه شرقی نه غربی باشند، امروز دانشگاه و حوزه از هر محلی بیشتر به اتحاد و یگانگی احتیاج دارند.

حال می‌خواهیم این موضوع را از دیدگاه رهبری نگاه کنیم: مقام معظم رهبری (دام عزه)، راه کارهای وحدت حوزه و دانشگاه را این چنین تبیین کرده‌اند: «در نظام اسلامی، علم و دین پایه‌ایند حرکت کند. وحدت حوزه و دانشگاه یعنی این. وحدت حوزه و دانشگاه معنایش این نیست که حتماً بایستی تخصص‌های حوزه‌ای در دانشگاه و تخصص‌های دانشگاهی در حوزه دنبال بشود نه، لزومی ندارد. اگر حوزه و دانشگاه به هم وصل و خوش‌بین باشند و به هم کمک بکنند و بایکدیگر همکاری نمایند، دو شعبه از یک مؤسسه علم و دین هستند. و آن دو شعبه دارد: یک شعبه، حوزه‌های علمیه و شعبه دیگر، دانشگاه‌ها هستند».

روز دانشجو یادبود شهادت ۳ تن از دانشجویانی است که به دلیل برپایی مجدد روابط بین ایران و بریتانیا که در دوران مصدق قطع شده بود و از قرار ریچارد نیکسون نایب ریاست جمهوری وقت آمریکا برای دیدار رسمی به ایران بیاید اعتراض کرده بودند.

این موضوع بهانه لازم برای اعتراضات را فراهم کرد و در ۱۶ آذرماه به سفارش نهضت مقاومت ملی، دانشجویان فعال به سخنرانی در کلاس‌ها پرداختند و ناآرامی تمامی محوطه دانشگاه تهران را فراگرفت. در این بین نیروهای امنیتی به سرکوب اعتراض دانشجویان در دانشگاه تهران پرداختند که موجب شهادت آذر شریعت رضوی، مصطفی بزرگ نیا و

در نظام اسلامی، علم و دین پایه
پا باید حرکت کند. وحدت
حوزه و دانشگاه یعنی این.
وحدت حوزه و دانشگاه معنایش
این نیست که حتماً بایستی
تخصص‌های حوزه‌ای در دانشگاه و
تخصص‌های دانشگاهی در حوزه
دنبال بشود نه، لزومی ندارد.
اگر حوزه و دانشگاه به هم وصل
و خوش‌بین باشند و به هم
کمک بکنند و بایکدیگر همکاری
نمایند، دو شعبه از یک مؤسسه
علم و دین هستند. و آن دو شعبه
دارد: یک شعبه، حوزه‌های
علمیه و شعبه دیگر، دانشگاه‌ها
هستند.

طلاب و دانشجویان قدر یکدیگر را بدانند، با یکدیگر آشنا و مرتبط باشند، احساس بیگانگی نکنند. احساس خویشاوندی و برادری را حفظ کنند و روحانیون در دانشگاه‌ها عملاً کوشش کنند که نمونه‌های کامل عالم دین و طلبه علوم دینی را به طلاب و دانشجویان و دانشگاهیان ارایه بدهند و نشان دهند که هر دو، نسبت به یکدیگر، با حساسیت مثبت و با علاقه همکاری می‌کنند. این همکاری و وحدت حوزه و دانشگاه است. البته برای این کار باید برنامه ریزی و سازمان‌دهی بشود.»

در انتها حوزه و دانشگاه، این نهادها بر روی اندیشه و تفکر تأثیر گذارند پس چه بهتر که این دو همگام باهم قدم بردارند که در راه حفظ ارزش‌های اسلامی و ارزش‌های ملی به موفقیت‌های بزرگی دست پیدا کنند.



مکتب صبر و ایثار

تجلیل مقام پرستار به بهانه میلاد بانوی صبور حضرت زینب کبری (س)

زهراربیع النجات - مهندسی پزشکی ۹۷



هرگاه نام حضرت زینب(س) رو می شنویم یاد استقامت و صبر و شیردلی او می افتیم. از همان کودکی که پدر مادرهایمان به گوشمان خوانده اند. حضرت زینب(س) یک الگو و نمونه صبر و استقامت پایداری بودند. خب حالا ربطش با پرستاران گرامی خیلی راحت شد. همچون پرستاران که زحمتکش ترین و صبورترین افراد جامعه هستند. و در قبال زحمت هایی که مثل شب تا صبح بر بالین بیماران بودن و... بدون توقع هیچ اجر خاصی، و این یعنی خود عشق، کاش همیشه خسته نباشید گفتن هایمان مختص به یک روز خاص نباشد و همیشه کسانی هستند که زندگی هاشون رو وقف بیماران کردند تا یکسری آدم ها در آسایش باشند.

انسان های بی ادعایی که به معنای واقعی کلمه، خالصانه کار می کنند و تمام تلاش خود را معطوف می سازند تا بیماران، دوران نقاهت خود را به آرامی سپری کنند. این واژه، آدمی را به یاد مفاهیم دیگری هم می اندازد. یاد شب بیداری و یاد مردان و زنان سپیدپوشی که لحظه ای لبخند از سیمایشان دور نمی شود.

خب حالا فهمیدیم که همچون حضرت زینب(س) که نماد استقامت و پایداری بودن، در زمان حال پرستاران نماد استقامت و پایداری هستند برای یکسری از افراد که آسایش داشته باشند. پس ما اینجا ارزش پرستاران رو بیشتر درک می کنیم. حال که باوجود شرایط سخت، باوجود این بیماری منحوس کرونا، پرستاران جان درکف دست خودشان گذاشتند و تمام توان خود رو برای بهبود بیماران خرج می کنن و واقعا که پرستار، عجب واژه آشنایی است. کلمه ای که ناخودآگاه هر شنونده ای را به یاد آرامش پس از طوفان، و به یاد شخصی می اندازد که در لحظات سختی، ناراحتی و ساعتی که به کمک نیاز داریم، یاری رسان ماست. انسان های بی ادعایی که به معنای واقعی کلمه، خالصانه کار می کنند و تمام تلاش خود را معطوف می سازند تا بیماران، دوران نقاهت خود را به آرامی سپری کنند. این واژه، آدمی را به یاد مفاهیم دیگری هم می اندازد. یاد شب بیداری و یاد مردان و زنان سپیدپوشی که لحظه ای لبخند از سیمایشان دور نمی شود. طی گفت و گویی که با یک پرستار داشتیم؛

«بعد از پایان فاز اول، هر روز برای ما جشن بود. احساس می کردیم هر روز عید است. مراجعه کننده با علائم مشکوک به کرونا آنقدر کم شد که ابتدا بخش آی سی یو و بعد، کل بیمارستان ما از سانتر کرونا خارج شد. بهترین روز، اواسط خرداد بود که حتی یک بیمار مبتلا به کرونا هم در بخش آی سی یو نداشتیم. دیگر خندان را در یک قدمی پایان کار می دیدیم اما اواخر خرداد دوباره تعداد مراجعان با علائم مشکوک به کرونا اوج گرفت. مثل رزمندگانی که از جبهه خودی گلوله خورده باشند، حس این روزهای ما، حس بهت و افسوس است...»

روزهای اوج و شروع این ویروس خطرناک با توجه به اینکه بیمارستان ها و پرستاران و کادر درمانی غافلگیرانه وارد این نبرد سخت شده بودند به رغم امکانات بسیار اندک و آمار بسیار ورودی بیماران به بیمارستان ها و مراکز پزشکی ولی کادر درمان برنده این نبرد شدند و پس از اندکی مقاومت، سختی بحران را مدیریت کردند؛ در کنار شادی بیماران لبخند می زدند و با اشک و آه بیماران چشمانشان اشک بار می شد. پرستاران و کادر درمانی دور از خانواده نوروز را سپری کردند و در کنار بیماران سفره هفت سین را چیدند و اراده کردند در جبهه سلامت و مقاومت با کرونا تا آخرین لحظه در خط مقدم باشند؛ آن ها در دل خطر رفته و حتی برخی تمام شنیده ها را دیده و دیده ها را هم با تمام وجود درک کرده. اینطور است که وقتی از کرونا، سختی هایش و آثار تلخی که برجا می گذارد، حرف می زنند، درواقع از یک راه طی شده می گوید. با یک پرستار که گفتگو می کردم: «حبیب قادری»، پرستار ۲۹ ساله مشغدی، از آن هایی است که هم در حدود ۶ ماه گذشته، نفس به نفس بیماران مبتلا به کرونا خدمت کرده و هم زهر این ویروس هزارچهره را با تمام وجود چشیده و در نبرد نابرابر با آن، تا مرز شکست هم پیش رفته اما با لطف خداوند و معجزه امید، فرصت دوبارم برای زندگی پیدا کرده، فرصتی که از آن باز هم برای خدمت به هم نوانش بهره گرفته. در روزهایی که موج دوم شیوع ویروس کرونا، موجی از خستگی و گلايه مندی مضاعف بر تن و جان کادر درمانی تحمیل کرده است.

پس بیاییم با رعایت نکات بهداشتی خون تازه ای در رگ های سربازان سپید پوشمان جاری کنیم.

اخطار! اخطار!

مردم در حالت آماده باش کامل قرار بگیرند؛ از ساعت ۹ هر شب لغایت ۴ صبح تعداد بیشماری فروند هواپیمای بالستیک آمریکایی حاوی ویروس‌های کرونا در آسمان‌ها به پرواز درمی‌آیند به شکلی که اگر در طول آن ساعات شخصی در خیابان‌ها دیده شود با موشک مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد؛ گلوله‌ای از جنس پول بدهید که کرونا از رگ گردن به شما نزدیک‌تر است.

پس در آن ساعات به خانه‌هایتان رفته، درب‌ها را قفل کرده، پنجره‌ها را محکم بسته حتی گفته‌شده از طرفی برق‌ها را نیز خاموش نمایید تا دیده نشوید. توجه فرمایید که در ساعات دیگر می‌توانید به هر سبک که خواستید در خیابان‌ها ظاهر شوید.

مرغ این حیوان ایرانی الاصل تخم گذار، حتی فکرش را هم نمی‌کرد که روزگاری برسد که از هم پای عشقی خود (خروس) نیز قیمتش بیشتر شود، بنابراین ورود این حیوان بزب ز قندی، شلوار پلنگی، چشمون شهلا، قدی رعنا را به جامعه هنری مرغ و خروس‌ها تبریک و تسلیت عرض کرده و برایشان عمری سرشار از افزایش قیمت آرزو مندیم.

مردم نیز در پی این حرکت زشت مرغ روی به صف‌های بحرالطولی ناشی از خرید مرغ‌های یخی و احتکار آن‌ها آوردند تا مرغ سزای این عمل زشتش را زودتر ببیند و به نزول قیمت راضی شود. بزک نمیر بهار میاد، استاد با امتحان میاد.

خیر این‌گونه نشد (استاد: کور خوندی داداش) قرار براین شد که استاد نمره‌ها را فقط به فعالیت پی‌درپی مسخره کلاسی اختصاص دهد و حضور و غیاب‌هایی که از شانس نمونه ما همان لحظه نت گرانهایمان قطع (قحطی می‌زد) و حضور تبدیل به غیاب می‌گشت.

ما نیز از پاننشستیم و سنگ را تماما گذاشتیم بر روح و روانشان بدین شکل که فونت را فارسی می‌کردیم و انگلیسی می‌نوشتیم تا کلمه‌شمشی (salam) را خودشان بفهمند! محل زندگی گربه‌هایمان را روی کیبورد تعبیه می‌کردیم تا استاد یک مشت کلمه عجیب الوقایع ببیند؛ حتی یکبار یادم می‌آید یکی از دانشجو‌ها با اعتماد به نفس کامل میکروفونش را باز کرد؛ صدای عجیبی گوش‌هایمان را تقویت می‌کرد. یکی می‌گفت صدای ماشین است؛ یکی گفت لابد کارمند شرکت هواپیمایی است ولی من صدایم را ته حلقم انداخته و گفتم بله خودش است موتور...

پیشاپیش از این احترام مقابل دانشجو به استاد و استاد به دانشجو کمال تشکر را می‌نماییم.



کم کم خودش به مقابله با دین خودش برخیزد؛ چرا که پس از مدت زمانی که از پدید آمدن آن عواطف اولیه دینی می‌گذرد، مقدماتی و سطحی بودن آن عواطف را لمس می‌کند و در نتیجه سعی می‌کند از این سطحی بودن فاصله بگیرد و اگر این فاصله به سمت عمیق شدن جهت پیدا نکند ممکن است به سمت حذف، سوق یابد. در نهایت باید مراقب باشیم مودت عامیانه کار دستانم ندهد و در مواقع احتیاج، از دستانم نرود. عشق در ادبیات فارسی؛ صرف نظر از معنای عشق در زبان عربی، وقتی به معنای عشق در ادبیات غنایی و عارفانه‌ی فارسی نگاه می‌کنیم، آن را اصطلاحی برای محبت شدید می‌یابیم که شاخص اصلی آن از خود گذشتگی است. اگر محبتی آنقدر زیاد شود که اصرار بر فدا شدن برای معشوق را در پی داشته‌باشد، آنگاه عاشقی پدید آمده‌است.

علاقه‌های فطری و ابتدایی موجود در جامعه را باید محترم شمرد چراکه گاهی این علاقه‌های آغاز شور و شعور عمیق هستند. گاهی اوقات نیز علاقه‌های عموم با قضاوتی ناصحیح دست‌کم گرفته می‌شود در حالیکه در میان عوام افرادی با معرفت عمیق پیدا می‌شوند که نخبگان حسرت آن را دارند.



انتظار

علاقه عوامانه به مسئله ظهور منجی

مآده ایران‌نژاد - شهرسازی ۹۷

در شماره‌ی قبلی نشریه راجع به پیامدهای منفی نگاه عامیانه گفتیم. در این نشریه در رابطه با علاقه‌ی عامیانه با شما صحبت خواهیم کرد.

غیر از نگاه عامیانه می‌توان از علاقه‌ی عامیانه هم سخت گفت. البته بین این دو تفاوت‌هایی است. منظور از علاقه‌ی عامیانه، علاقه‌ی سطحی و یا بدون پشتوانه‌ای است که هر لحظه در معرض از بین رفتن قرار دارد. اصطلاح علاقه عامیانه در روایتی به صراحت مورد نگوهرش قرار گرفته‌است، بطوری که امیرالمومنین، علی علیه السلام فرمودند: دوستی عوام و عامیانه بریده می‌شود مانند بریده شدن ابر و زایل می‌شود، چنان که سراب زایل می‌شود.

اما جای نگاه مثبت هم به این گونه علاقه‌ها وجود دارد. در بسیاری از عوام، علاقه و معرفت مردم نسبت به اولیای الهی با همین علاقه آزاد می‌شود. علاقه‌های فطری و ابتدایی موجود در جامعه را باید محترم شمرد چراکه گاهی این علاقه‌های آغاز شور و شعور عمیق هستند. گاهی اوقات نیز علاقه‌های عموم با قضاوتی ناصحیح دست‌کم گرفته می‌شود در حالیکه در میان عوام افرادی با معرفت عمیق پیدا می‌شوند که نخبگان حسرت آن را دارند. از طرفی نگاه عالمانه به معنای نفی رابطه‌ی عاطفی نیست کما اینکه بعضی‌ها با کوتاه‌نظری در مقابل توصیه به برخورد علمی با امام زمان (عج)، گرایش عاطفی به امام زمان (عج) را مورد همه قرار می‌دهند.

علم بدون اشک نشانه‌ی ضعف انسانیت است. گاهی برخی از سر ناآگاهی می‌گویند: آقا گریه برای امام زمان (عج) بس است. حالا دیگر نوبت معرفت است. غافل از اینکه هرچه معرفت بالا برود اشک هم زیاد می‌شود.

چرا باید عواطف دینی را رشد دهیم؟

اگر کسی عواطف دینی خود را در سطح مقدماتی نگاه دارد در حالیکه موقعیت اقتضا دارد که او رشد بیشتری داشته باشد، آنگاه چه بسا این ایستایی موجب انحراف او شود. چنین شخصی ممکن است